

فهرست

سال دوازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۳

با همکاری

علی بنوعزیزی

مقاله‌ها:

- ۴۱۷ پیشگفتار
علی بنوعزیزی
- ۴۲۳ هویت ایرانی
احسان یار شاطر
- ۴۳۱ هویت ایرانی در دوران باستان
ریچارد ن. فرای
- ۴۳۹ ایرانیان: یکه‌سواران دوگانگی
نادر نادرپور
- ۴۷۳ هویت ایرانیان از سامانیان تا قاجاریه
ویلیام هنوی
- ۴۷۹ ملی‌گرایی، تمرکز و فرهنگ در غروب قاجاریه و طلوع پهلوی
شاهرخ مسکوب
- ۵۰۹ هویت ایرانی: وهم یا واقعیت؟
جلیل دوستخواه
- ۵۲۱ بحران هویت ملی و قومی در ایران
احمد اشرف

گزیده:

- ۵۵۱ «ایده ایرانی»
جراردو نولی

نقد و بررسی کتاب:

- ۵۶۱ خاطره‌های پراکنده (گلی ترقی)
نسرتین رحیمیه
- ۵۶۴ «تلویزیون و فرهنگ ایرانی در لوس آنجلس» (حمید نفیسی)
مجید تهرانیان
- ۵۶۸ «حماسه و نافرمانی» (دیک دیویس)
امین بنانی

- ۵۷۵ کتاب‌ها و نشریات رسیده

ترجمه خلاصه مقاله‌ها به انگلیسی

اثری که باید در خانه هر ایرانی فرهنگ دوستی موجود باشد



ENCYCLOPAEDIA IRANICA

دانشنامه ایرانیکا

جلد هفتم

Volume VII

Fascicle 1: DĀRĀ(B)I- *Dastūr al-Afāzel*

منتشر شد

Mazda Publishers

P. O. Box 2603
Costa Mesa, CA 92626

U. S.A.

Tel: (714) 751-5252

نقد و بررسی کتاب

نسرتین رحیمی*

گلی ترقی، *خاطره های پراکنده: مجموعه قصه*
تهران، باغ آینه، ۱۳۷۱، ۲۵۱ صفحه.

عنوان اصلی کتاب شاید در نگاه نخست با عبارت زیرعنوان، یعنی «مجموعه قصه»، ناهمخوان به نظر برسد. *خاطره های پراکنده* اکتفاء بر یادمان های شخصی را تداعی می‌کند و خواننده را برآن می‌دارد تا متون مندرج در کتاب را جزئی از زندگینامه نویسنده بیندارد. با این همه دو نوشته نهایی کتاب، یعنی «خانه ای در آسمان» و «عادت های غریب آقای الف در غربت» (که در فهرست مندرجات کتاب بخشی از یک رمان توصیف شده) نزدیکی بلافصلی با شش بخش آغاز کتاب دارد، گیرم این نوشته ها همه از دیدگاه راوی اول شخص مفرد که یک زن است بیان شده، و خواننده را فرا می‌خواند تا راوی را با شخص گلی ترقی یکی انگارد.

* استاد ادبیات تطبیقی در دانشگاه آلبرتا (کانادا).

داستان اول، "اتوبوس شمیران"، که پیش‌تر نیز در یک مجموعه دو زبانه فارسی-فرانسه به چاپ رسیده است، مربوط به پیوند دوستی میان یک دختر جوان و یک راننده اتوبوس است. خاطرات کودکی، آن‌گاه که در خیال راوی بزرگسال زندگی از سر می‌گیرد، با حسی از جادو و آرزو و حسرت همراه است. "دوست کوچک"، "خانه مادر بزرگ"، "پدر"، "خدمتکار" و "مادام گرگه" کلاف خاطره‌ها را از نخستین روزهای نوجوانی و جوانی، درد از دست دادن پدر، آماده شدن برای عزیمت از ایران در بجهت جنگ ایران و عراق، و سرانجام ورود به پاریس و آغاز زندگی در تبعید را دربرمی‌گیرد. در این داستان‌ها یک دستی صدای روایتگر، زنده شدن دلنشین رایحه‌ها و تصویرهای خوشایند کودکی، و نیز نخستین دلشوره‌های نوجوانی، رشته روایت را در هم می‌بافد و محصولی یک پارچه می‌سازد. شش داستان نخست، بی آن‌که حرکت خطی پیوسته‌ای داشته باشد، رفته رفته ما را از کودکی به بزرگسالی می‌کشاند. آنچه ظاهراً در این میان حضور ندارد، روایتی از بخش میانی زندگی راوی است، یعنی دوران تحصیل و زندگی اجتماعی در بزرگسالی، و چگونگی گذران روزها پس از ترک امن و عیش آشیان کودکی. شاید پراکندگی مورد اشاره در عنوان کتاب نیز به همین گونه تصویر پردازی نظر دارد که در آن گلی ترقی تصویرهای منتخبی از زندگی خود را به نمایش می‌گذارد. ضرورتی در کار نیست که زندگینامه ادبی شامل شرح کامل تمامی مراحل زندگی نویسنده باشد، ولی پرش ترقی از کودکی به زندگی در غربت خود نشان دهنده فقدان مرحله گذاری است که می‌توانست حلقه مهمی میان گذشته، حال و آینده (که قلم نویسنده آن را هدف خود قرار داده است) به شمار آید.

آنچه میان این بخش‌های زندگینامه‌ای و دو نوشته آخر کتاب پل می‌زند همانا تجربه تبعید است. در این مفهوم، *خاطره‌های پراکنده* حرکت جالبی را پی می‌گیرد که از یادآوری‌های شخصی و برون‌ریزی گذشته فرد تا عوارض و عواقب عام‌تر آن برای کلّ مردمی که ازگسسته شدن از گذشته خویش بیمناکند ادامه دارد. در "مادام گرگه" ترقی نگاهی می‌اندازد به جابجائی طاقّت فرسا و غربت‌زایی که هم خود او و هم فرزندان جوانش در بدو ورود به پاریس با آن دست‌درگریبان می‌شوند. این خانواده که به سیاق زندگی اجتماعی در ایران- یعنی معاشرت با اطرافیان خویش- خو گرفته‌اند، در پاریس ناگهان آماج شکایت‌ها و شکوه‌های همسایه طبقه بالا قرار می‌گیرند که فریادش از سر و صدای آن‌ها بلند است. راوی که خود در گیر و داز نگرانی‌های یک

تازه وارد غریب گرفتار است، نمی تواند در فریادهای شکوه و شکایت که بی وقفه از حلقوم همسایه بیرون می آید ناله نومیدانه تنهایی او را بشنود. نداشتن زبان مشترک نیز مزید بر این علت می شود و امکان ایجاد ارتباط میان او و همسایه اش را که زن باردار میانسالی است دشوارتر می کند. راوی سرانجام با از میان برداشتن مانع زبان و هم سخن شدن با همسایه پرخاشگر، مسئله را حل می کند. البته انتقام نهایی هنگامی فرا می رسد که همسایه باردار فرزند خود را به دنیا می آورد و خود به دلیل شکایت های همسایگان دیگر ناگزیر به تخلیه آپارتمان خود می شود.

بدین ترتیب راوی "مادام گرگه" از شرگرگ زندگی خود خلاص می شود، ولی راویان دو قصه آخر - که یکی زنی سالخورده است که عزیمت پسرش به پاریس او را آواره آسمان ها کرده، و دیگری یک دبیر تاریخ است که بر اثر "افشاگری" های دانش آموزانش از کار خود و از وطن خویش رانده شده - به این آسانی ها نمی توانند عقده غربت خود را بکشایند. در هردو داستان خلاء زندگی در غربت از راه بازگویی دقیق درد آور و جگرخراش به نمایش گذاشته می شود. کنده شدن لنگرهای زبانی و فرهنگی محور هردو داستان است. در داستان نخست مهین بانو از پاریس، شهری که در آغاز شادی پیوستن به خانواده پسرش را به او ارمغان کرده بود، کنده می شود تا ابتدا به آپارتمان داماد انگلیسی خود منتقل شود، و سرانجام به محل اقامت برادرش در کانادا فرود آید. تنهایی مطلق این زن و از دست رفتن استقلال فردی او به این صورت جلوه می کند که او، در عین آوارگی، آرامش درونی خود را هنگامی باز می یابد که از پی دویدن ها و این سو و آن سو شدن های بسیار، سرانجام درصندلی کوچک هواپیما قرار می گیرد. قرارگاهی که، دست کم تا پایان پرواز، متعلق به شخص او خواهد بود. عاقبت غم انگیز این زن، که مثل بقیه زندگی او و فداکاری هایش برای فرزندان، ناشناخته می ماند، تنها راه رهایی او از بلای دربدری است.

آقای الف نیز سرنوشتی مشابه دارد. او هم نمی تواند خود را به موطن خویش در فرانسه دلخوش کند. روزها را به خواندن و دوباره خواندن نامه هایی اختصاص می دهد که از خویشان و دوستان خود در ایران گرفته است. از میان یادمان هایش ماجرای ناکامی در عشق زنی سر بر می کند که سال ها پیش او را از دست داده است. زن بعدها با همبازی دوران کودکی آقای الف ازدواج کرده و همکار خود او شده است. درد غربت یاد دردهای دیگر گذشته را در خاطر زنده می کند، و آن ها را به مراتب بزرگ تر و برجسته تر و دردناک تر جلوه

می‌دهد. هم مهین بانو هم آقای الف زندانیان یادهای گذشته خویشند. گلی ترقی باصدا بخشیدن به حرمان و حسرت انسان تبعیدی خود را تا فراسوی سرنوشت افرادی چون دوشخصیت داستان خویش کشانده است. تنها راوی داستان "مادام گرگه"، یعنی آخرین قطعه زندگینامه‌ای این مجموعه است که های را با هو جواب می‌گوید، و شخصی را که ترس‌ها و ناکامی‌های او را در وجود خویش مجسم ساخته از خود دور می‌کند. بدین سان، خاطرات شخص نویسنده از زندگی در ایران می‌تواند حلقه‌ای لازم باشد برای باز پیوستن به گذشته‌ای که پیش‌گیری از یادآوری آن دیگر ضرورتی ندارد. **خاطره‌های پراکنده** گلی ترقی، برخلاف خاطرات بسیاری از هموطنان تبعید شده نویسنده، می‌تواند نوشخوار زندگی کنونی او باشد. خط زیستنی که او به همگان غربت‌نشین خود عرضه می‌کند یادآوری دلنشین دقایق زندگی گذشته است. گیرم این تنها گلچینی باشد از باغ یادهای بسیار. فرایند برون‌ریزی فردی و هنری این یادها در میان ایرانیان تبعیدی پژواکی دلپذیر و دیرپا خواهد یافت.

مجید تهرانیان*

تلویزیون و فرهنگ ایرانی در لوس آنجلس

Hamid Naficy, *The Making of Exile Culture: Iranian Television in Los Angeles*
 Minneapolis: University of Minnesota Press, 1993.

در سال های اخیر، حمید نفیسی، نویسنده پُرکار این کتاب، آثار گوناگون و ارزنده‌ای در زمینه فیلم و فرهنگ جهان سوم عرضه کرده‌است. ولی اثر اخیر او، «ساخت فرهنگ تبعیدی: تلویزن ایرانی در لوس آنجلس»، حاصل بیش از ده سال زندگی و پژوهش مداوم او در میان ایرانیان مقیم آن شهر است. از آن جا که نفیسی یکی از نظریه پردازان طراز اول رسانه‌های گروهی نیز هست، بی شک این اثر به زودی جای خود را در میان آثار مهم معاصر درباره فرهنگ رسانه ای باز خواهد کرد.

محور اصلی کتاب براساس این فرضیه رایج میان نظریه پردازان می چرخد که رسانه های گروهی گویا نیروی همگن کننده (Homogenizing) فرهنگ ها هستند. ریشه‌های این فرضیه تاریخی است. مکتب مشهور فرانکفورت (هابرماس، آدورنو، مارکوزه، هورکهایمر) را می توان پایه گذاری این فرضیه دانست، ولی سایر مکاتب غیرمارکسیست نیز غالباً به این فرضیه گرایش نشان داده اند. از آن جمله، مارشال مکلوهن (Marshall McLuhan) این فرضیه را صوراصلی نظریه های تاریخی خود قرار داد. از طریق او، این اندیشه که رسانه‌های گروهی دنیا را مبدل به یک "دهکده جهانی" (Global Village) کرده اند، رایج و پذیرفته شده است.

استاد دانشگاه هاوایی و استاد میهمان در دانشگاه هاروارد. آخرین اثر مجید تهرانیان باعنوان:
Restructuring for World Peace: On the Threshold of the 21st Century در ۱۹۹۲ منتشر شده است.

نفیسی این فرضیه را شدیداً مورد پرسش قرار می دهد و در چارچوب نظریه های جدید "نشان شناسی" (Semiotics) و «فراسوی نوین گرائی» (Post- Modernism) با ذکر شواهد بی شمار از زندگی و تلویزیون ایرانیان مقیم لوس آنجلس، نشان می دهد که چگونه برنامه های تلویزیونی می توانند عامل مهمی در ساختن فرهنگ و هویت تبعیدی شوند که خود آمیخته ای از آمیختن گذشته و حال، ایرانی و امریکائی است. بدین وسیله، تلویزیون ایرانی وسیله ای برای حفظ فرهنگ و هویت شده است، در حالی که تلویزیون امریکائی در پیچه ای را به سوی فرهنگ عمومی ملت آمریکا باز کرده است.

نفیسی نشان می دهد که در این مورد، تلویزیون ایرانی استثناء نیست. برنامه های کره ای، ژاپنی، چینی، اسپانیولی و مجارستانی در لوس آنجلس نیز همین نقش را در حفظ هویت فرهنگی بینندگان خود بازی می کنند. طبیعی است که در هریک از این موارد، محتوا و کیفیت برنامه ها پاسخگوی نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر ویژه خود هستند. و نیز ویژگی های تاریخی و فرهنگی هریک از این ملیت ها در آن برنامه ها منعکس است.

این استدلال کتاب دو حاصل عمده به دست می دهد. حاصل اول، یک نظریه کلی در باره نظام نوین «چند فرهنگ گرائی» (Multi-Culturalism) است که در سایه آن، مهاجرین جدید می توانند فرهنگ ملی خود را همراه با پذیرش فرهنگ عمومی آمریکا حفظ کنند. برخلاف نظریه های پیشین فرهنگ آمریکا که براساس سیاست های «دیگ هفت جوش» (Melting Pot) نهاده شده بود، سیاست های جدید، مهاجرین را ملزم به فراموشی هویت فرهنگی گذشته خود نمی کنند. گرچه سیاست «چند فرهنگ گرائی» در سال های اخیر شدیداً مورد انتقاد برخی از صاحب نظران مانند آرتور شلسینگر (Arthur Schlesinger)

[The Disuniting of America: Reflections on a Multicultural Society, 1992] قرار گرفته است، حقیقت آنست که با افزایش سرسام آور کانال های رادیویی و تلویزیونی و کابل، ایجاد روابط کامپیوتری از طریق شبکه هائی مانند (Internet)، و ازدیاد روزنامه، مجلات و خبرنامه های ویژه ملیت های متعدد، نظام چند ملیتی در آمریکا ریشه های عمیق دوانده است. ایجاد یک ملیت یک پارچه و همگن در آمریکا جز از طریق سیاست احترام به تنوع فرهنگ ها امکان پذیر نیست. کتاب نفیسی حاکی از این واقعیت است که فرهنگ مهاجرین جدید به ناچار حاصلی از برخورد و امتزاج دو فرهنگ ملی و امریکائی خواهد بود.

حاصل دوم کار نفیسی شناخت دقیق تر جامعه مهاجر ایرانی در لوس آنجلس

و مسائل خاص آن در شرایط کنونی است. تعداد بزرگ این جمعیت (چیزی میان ۲۰۰,۰۰۰ تا ۸۰۰,۰۰۰ نفر در جنوب کالیفرنیا)، تنوع طبقاتی و مذهبی آن (مسلمان، ارمنی، آشوری، یهودی، بهائی)، ثروت و رفاه نسبی آن در مقایسه با مهاجرین گذشته و حال آمریکا، عوامل مهمی در ایجاد فرهنگ تلویزیونی ایرانیان است. نفیسی کل درآمد تلویزیون ایرانیان در لوس آنجلس را به حدود ۶ میلیون دلار در سال تخمین می‌زند. حدود ۲۶ برنامه تلویزیونی در سال های ۹۰-۱۹۸۰ در معرض تماشا قرار گرفته اند. گرچه این برنامه ها بطور کلی در زیر نفوذ احساسات شاه پرستی و ضد رژیم اسلامی هستند، محتوای آن ها رفته رفته از مسائل سیاسی به مسائل فرهنگی گرویده است.

در این میان، نقش دوکانال وابسته به مجاهدین خلق (بطور آشکار) و رژیم اسلامی (بطور غیر رسمی) حائز توجه است. بینندگان برنامه ها نیز بیشتر نسل پیر و میان سال است، در حالی که نسل جوان بیشتر به سوی برنامه‌های تلویزیون های عمومی امریکا روی آورده است. بدین ترتیب، گذار مهاجرین ایرانی از فرهنگ ایرانی به سوی یک فرهنگ مختلط ایرانی-آمریکائی و بالاخره به سوی تحلیل در جامعه بزرگتر آمریکائی، اصولی ناگزیر به نظر می‌رسد. برخلاف مهاجرین بیشتر ملیت ها در گذشته که از طبقات کارگر منشاء می‌گرفتند، مهاجرین ایرانی از طبقات مرفه و تحصیل کرده جامعه هستند و در نتیجه، تحلیل آن ها در جامعه آمریکا به احتمال قوی ساده تر و سریع تر صورت خواهد گرفت. هم اکنون، در بسیاری از مشاغل طراز اول امریکا مانند پزشکی، وکالت، تجارت، علوم اجتماعی و طبیعی، ایرانیان مقامات برجسته ای را احراز کرده اند. در زمینه سیاست نیز، علی‌رغم تعداد محدود و پراکنده آنان، مهاجرین ایرانی در برخی از ایالات (مانند مریلند، کالیفرنیا و هاوایی) وارد میدان سیاست شده اند. نیروی سازگاری ایرانیان با شرایط متحول اجتماعی که ناشی از تاریخ پرفراز و نشیب آنان است، در این میان عامل موثری در موفقیت آنان در جامعه آمریکا است.

گرچه سبک نگارش نفیسی در این کتاب، به اقتضای موضوع آن فنی و دشوار است، استفاده از خاطرات شخصی در آغاز هر فصل، مسائل پیچیده علمی را در بعد انسانی آن مطرح می‌سازد. پیوست ۲۱ جدول آماری و تعدادی تصویر از برنامه های تلویزیونی نیز به ارزش استنادی کتاب افزوده است. همینطور یادداشت ها، فهرست مراجع، نام ها و موضوع ها.

نفیسی در این کتاب نشان می‌دهد که چگونه می‌توان بدون پیشداوری های

امین بنانی*

حماسه و نافرمانی

Dick Davis, *Epic and Sediton: The Case of Ferdowsi's Shahnameh*. The University of Arkansas, Fayetteville, 1992. pp xxxvi+222.

عنوان کتاب طنز لطیفی است وام گرفته از نقدی که Sainte-Beuve در ۱۸۵۰ بر ترجمه فرانسه Mohl از شاهنامه نوشته بود. برگرداندن لغت sedition به فارسی خالی از اشکال نیست و چون ربط اساسی با موضوع کتاب دارد نمی توان به آسانی از آن گذشت. واژه های عربی در فارسی بومی شده فتنه و به خصوص فساد در چارچوبه کار برد سیاسی خود نزدیکی بیشتری با sedition دارند تا واژه فارسی آشوب. آنچه که مفهوم sedition را می رساند نوعی سرپیچی یا نافرمانی است که آمیخته با خیانتی پنهانی باشد. پس اگر نام این کتاب را به فارسی حماسه و نافرمانی بخوانیم پُر دور نرفته ایم.

در آغاز کار برای این که خوانندگان این نقد را تمجید مبالغه آمیز نشمرند باید اذعان کنم که به چند دلیل آفاقی و انفسی این کتاب را با احساسی ممزوج از خوش آیندی و سپاسگزاری خواندم. دلائل آفاقی که واضح است: ترجمه موزون و مقفائی که دیک دیویس، با کمک همسرش افخم دربندی، از منطق الطیر عطار کرده است بی هیچ قید و شرط بهترین ترجمه انگلیسی شعر کلاسیک فارسی است که از زمان رباعیات خیام فیتزجرالد تاکنون به دست آمده است. و همچنین ترجمه موزون او (که ایکاش آن را هم با قافیه ساخته بود) از داستان سیاوش شاهنامه - با توجه به اینکه ترجمه برادران وارنر (Warner) آسان به دست

* استاد تاریخ و ادبیات فارسی در دانشگاه کالیفرنیا (لس آنجلس). آخرین نوشته امین بنانی با عنوان "Rumi the Poet" در سال ۱۹۹۴ در کتاب *Poetry and Mysticism in Islam* منتشر شده است.

نمی آید و انگلیسی آن هم کهنه شده، باز بهترین برگردان انگلیسی پاره ای از *شاهنامه* است که در دست داریم. با این دو کار دیویس همه دوستداران شعرفارسی را مدیون همت و مفتون استعداد و قریحه و چشم به راه آثار آینده خود کرده است.

و اما دلائل نفسانی. دو دلیل کوچک و اتفاقی و دیگری بزرگتر و مربوط به یکی از انگیزه های دیویس در نوشتن کتاب حاضر است. در متن کتاب دیویس نقل قولی از شاعر آمریکائی، جیمز وینسنت کانینگهام (James Vincent Cunningham) - که با او درس شکسپیر می خواندم - یکی از شیرین ترین خاطرات دوران تحصیلی را برای من تازه کرد. او همچنین از تلخیص و ترجمه بی روحی که سی سال پیش رویین لیوی (Reuben Levy) از *شاهنامه* به نثر انگلیسی کرده است شکوه می کند که خود بازخوان افسردگی خاطر من بود که در آن زمان از طرف ناشر موظف به مقابله آن ترجمه با اصل فارسی *شاهنامه* بودم. و دیگر آنکه گرونباوم (Gustave von Grunebaum) را به مصاف می طلبد و رأی او را در به کم گرفتن *شاهنامه* رد می کند. و این درست همان بحثی است که سی سال پیش با آن استاد گرانمایه داشتم و حتی فشرده ای از آن را درباره ژرفای پرورش شخصیت ها و پهنای میدان اختیار ایشان در *شاهنامه* در کتاب جشن نامه آن استاد گنجاندم.

و اما چند و چون کتاب حاضر: نویسنده می گوید که آن را به دو هدف نگاشته است: نخست به امید آن که از کژاندیشی ها و برداشت های نادرستی که در هفتاد سال اخیر از *شاهنامه* شده بکاهد و دید دیگری از فردوسی و شاهکار او بنمایاند و دوم برای آن که *شاهنامه* را بهتر به جهان غرب بشناساند. باید با امید و نه چندان خوشبینانه گفت که اگر خوانندگان با فرهنگ و با انصافی در جهان غرب یافت می شوند که به این کتاب راه یابند و فرصت خواندن آن را به خود بدهند نویسنده در رسیدن به هدف دوم خود کامیاب شده است. دیویس دو عامل اصلی بی اعتنائی غربیان را به *شاهنامه* ادوارد براون (Edward G. Browne) و گرونباوم می نامد که با قضاوت های خام خویش شوق پژوهندگان دیگر را نیز سرد کرده اند.

بی میلی براون به فردوسی بیشتر جنبه ذوقی و نفسانی دارد و بخشودنی تر است، ولی سنجش گرونباوم اصولی تر است و به این جهت از انصاف دورتر. او می گوید که در مقایسه با پهلوانان حماسه ها و درام های یونانی پهلوانان *شاهنامه* بر سر دوراهی های زندگی از خود اختیاری ندارند و بیشتر باز یچه دست

سرنوشتند و این سبب ضعف کلی کار فردوسی است. این قضاوت نه تنها از کم خواندن و درست نخواندن *شاهنامه* آب می خورد که از نوعی پیشسنجی شرق شناسانه که برتری فرهنگ اروپائی را امری پذیرفته می گیرد.

انگیزه اول نویسنده پرسشی در باره موضوع *شاهنامه* است و این پرسشی است که در متن برداشت های یک سویه یا صریح تر بگوئیم سوءاستفاده هائی که در سالیان اخیر از *شاهنامه* شده است مطرح می شود. باید با کمال تأسّف اذعان کرد که اکنون سالهاست که بیشتر مدعیان *شاهنامه* خرده حسابهای سیاسی خود را به زیان فردوسی تصفیه کرده اند. از دعاوی بی پایه کسانی که در دوران پهلوی این شاهکار هنر انسانی را صرفاً به عنوان سند شاهپرستی معرفی می کردند، گرفته تا واکنش های ناسنجیده چپی ها که آنرا شاهد ستم و بیداد یکنواخت در تاریخ ایران می خواندند، تا ریاکاری های روحانیون قشری که می کوشند به یکباره این لکّه "مجوسگرایی" را از دامن اتت پاک کنند، تا پرخاش های عجولانه شاملو که نیندیشیده تیشه به ریشه خود می زند، همه دانسته یا ندانسته با دیده اعرور به *شاهنامه* نگریسته اند. همراه با این برداشت های نارسا بیشتر پژوهش های درباره فردوسی هم در محور مسائلی حاشیه ای و سست و نامربوط مانند چگونگی رابطه او با سلطان محمود یا شیعه بودن یا نبودن او دور می زنند و چه کم اند کارهای اندیشمند و خوب مثل *مقدمه بر رستم و اسفندیار* شاهرخ مسکوب.

درست است که ساختار برونی *شاهنامه* «تاریخ پی اندرپی پنجاه پادشاهی» است، و همچنین درست است که مأخذ فردوسی از این «تاریخ» بازگویی است از سالیان آخر دودمان ساسانی و از قلم موبدان بزرگ پایه که با شاهان زمان خود و نهاد پادشاهی رابطه همزیستی داشتند و در بزرگداشت شاهان و برابری فرمانبرداری از شاه و یزدان کوشیده اند. ولی دیویس در این کتاب می کوشد تا ثابت کند که فردوسی این منابع را نفهمیده و نسنجیده به نظم نکشیده است بلکه آنها را از صافی هنر آفرین نبوغ خود گذرانده است و رسالت شاعری خود را در نکوهیدن بیداد و ستم بروز داده است. نویسنده شواهد و قرائن بی شماری به میان می کشد که بیشترین آنها مجاب کننده است. از میان این پنجاه پادشاه کمتر از آنکه بتوان به انگشتان یک دست شمرد شاهان همواره نیک و دادگر و دل آگاه مانند فریدون و کیخسرو به چشم میخورند. نیک ترین ایشان، کیخسرو، داوطلبانه از شاهی چشم می پوشد و دست می شوید، گوئی به زبان حال می گوید که شاه بودن و نیک ماندن با هم سازگار نیست. سرگذشت این شاهان نیک در

شاهنامه کوتاه است، برعکس داستان ابله‌ترین و فرومایه‌ترین ایشان، کیکاوس، درازترین بخش شاهنامه است.

اگر این برداشت از شاهنامه را بپذیریم با یک سؤال اجتناب‌ناپذیر وجدانی و اخلاقی روبرو می‌شویم که از لابلای ابیات یا به قول امروزی‌ها از subtext شاهنامه بیرون می‌جهد و آن اینست که تکلیف انسان عاقل فرزانه‌ای که ابله‌ی بر او فرمانروائی می‌کند چیست؟ جواب‌های گوناگونی که پهلوانان شاهنامه در خلال درگیری‌های خود با پندار و گفتار و رفتار و کردار خویش به این سؤال می‌دهند محتوای کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. نویسنده روابط دودمان سام نریمان را با شاهنشاهان ایران در طول چهار نسل بررسی می‌کند، دودمانی که در شاهنامه نگهبان و پشتیبان تاج و تخت ایرانند و نامی‌ترین ایشان، رستم، بزرگ پهلوان حماسه‌فردوسی است که حتی گاهی به درستی تاجبخش هم نامیده می‌شود.

این روابط یا بهتر بگوئیم برخوردها با تمکین و پذیرش سام و پسرش زال از یکسو و پافشاری نکردن و بزرگواری و چشم‌پوشی منوچهر از سوی دیگر آغاز می‌گردد، در دوران کیکاوس تیره می‌شود و چند بار به رنجیدن و به خانه خود رفتن و گوشه گرفتن زال و رستم، و گاهی به عنان زبان گسیختن و دشنام دادن می‌کشد، سرانجام در ماجرای رستم و اسفندیار به نافرمانی و جدائی و تراژدی می‌انجامد، و در برخورد بهمن و فرامرز با طغیان و نابودی به پایان می‌رسد. شاید جواب این سؤال هیچ‌جا تلخ‌تر از داستان پیران ویسه نیست که فرجام یک عمر نیک‌اندیشی و وفاداری و وظیفه‌شناسی به افراسیاب آنست که درآتش کینی که آن بدنهاد افروخته است بسوزد.

پذیرفتن این برداشت همه تضادهای ناگزیر شاهنامه را حل نمی‌کند و شاید یکی از دلایل بزرگی این شاهکار همین انعکاس صادقانهٔ معضلات زندگی بشریست: پرسش‌هایی که یک پاسخ ساده ندارند. با تمام همدردی‌ها با بیگناهان و ستمدیدگان و با همه نکوهیدن بیداد و ستم که در شاهنامه به چشم می‌خورد نظر فردوسی درباره فرمانروائی و نظم جامعه چندان ساده و یک‌پارچه نیست. او با یک واژه غریزی، که شاید زائیدهٔ تبار دهقانی‌اش باشد، از اضطراب و هرج و مرج می‌ترسد و به خود می‌لرزد. و این نکته ایست که دیویس نادیده نمی‌گیرد.

اگر بی‌پروا بگوئیم *Epic and Sedition* بهترین کتابی است که در سالیان اخیر دربارهٔ شاهنامه نگاشته شده و خواندن آن‌را به همهٔ دوستداران ادب و فرهنگ

توصیه و ترجمه آن را به فارسی آرزو کنیم نه به این معنی است که این تنها روزنه نگریستن به شاهنامه است و نه این ادعائی است که نویسنده دارد. در میان شاهکارهای هنری جهان کمتر اثری سراغ داریم که در ژرفای بررسی سرشت انسانی و کشمکش های نیکی و بدی نه در نبردگاه کیهانی که درون دل و جان افراد بشر، مانند شاهنامه فردوسی با کارهای شکسپیر پهلو بزند. سالی نیست که پژوهشی تازه یا دوباره نگری جالبی درباره گوشه ای از دریای بی کران شکسپیر به بازار نیاید. وسعت میدان کار و نیاز به کوشش های خود را از همین اشاره بسنجیم.

مجموعه کتاب - رساله - رساله - رساله
 رساله رساله رساله

Foreign Journal for
 Science and Society
 P.O. Box 7352
 Alexandria, Virginia 22307

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

علم و جامعه



جنگ اجتماعی - سیاسی - فرهنگی

مدیر: دکتر ناصر طهماسبی

نشانی:

Persian Journal for
Science and Society

P.O.Box 7353

Alexandria, Virginia 22307

بهای اشتراک: یکساله ۳۰ دلار